

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۳

شاپای الکترونیک: ۲۳۸۳-۲۴۹۵

شاپای چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۱۴

<http://jrpp.um.ac.ir>

ارزیابی اثرات راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی در توسعه پایدار روستایی با استفاده از رهیافت تئوری زمینه‌ای (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده شرق گلستان)

امین محمدی استاد کلاهی^{۱*} - سید حسن مطیعی لنگرودی^۲ - محمدرضا رضوانی^۳ - مجتبی قدیری معصوم^۴

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گنبد، گنبد، ایران

۲- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۳ صص ۱۹۵-۱۸۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۰/۹

چکیده

هدف: مقاله حاضر درصدد است در یک مطالعه موردی با روش کیفی و براساس رهیافت نظریه زمینه‌ای، به ارزیابی اثرات راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی در توسعه پایدار جوامع مورد مطالعه اقدام کند.

روش: در این پژوهش، سطح تحلیل شهر جدید فراغی و روستاهای جابه‌جا شده بق قجه پایین، بق قجه بالا و قولاق کسن و واحد تحلیل مطلعان محلی بوده است. حجم نمونه به وسیله روش گلوله برفی از بین مطلعان محلی تعیین شده است. مصاحبه با افراد نمونه تا زمان دستیابی به اشباع نظریه‌ای ادامه پیدا کرد. در این پژوهش با اجرای نظام‌وار پنج مرحله، روش نظریه بنیانی و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی)، مدل مفهومی روش نظریه بنیانی تهیه شد.

یافته‌ها: با توجه به یافته‌های کیفی و تغییرات به وجود آمده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق مورد مطالعه، نظریه زمینه‌ای «اسکان مجدد با رویکرد کالبدی غیریک‌پارچه و با پایداری متوسط» برای روستاهای مشمول طرح اسکان مجدد در مناطق مورد مطالعه ارائه می‌شود. **محدودیت‌ها:** هر تحقیق و مطالعه در حیطه علوم اجتماعی، به واسطه تعامل با افراد بشر که دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، جهان بینی‌ها و شرایط فردی متفاوتی دارند، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

راهکارهای عملی: تدوین کامل سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها و قوانین مرتبط با تجدید اسکان و فراهم کردن یک الگوی جامع‌نگر که مبنای مدون هر گونه کنش و آموزش در این زمینه قرار گیرد.

اصالت و ارزش: در اغلب مطالعات انجام‌گرفته، تأکید بر استفاده از روش‌های تحقیق کمی بوده است. در تحقیق حاضر به منظور ارزیابی اثرات اسکان مجدد در توسعه پایدار روستایی برای نخستین بار از روش تحقیق کیفی و براساس رهیافت نظریه زمینه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: اسکان مجدد، توسعه پایدار روستایی، نظریه زمینه‌ای، استان گلستان.

ارجاع: محمدی استاد کلاهی، ا.، مطیعی لنگرودی، س. ح.، رضوانی، م. ر. و قدیری معصوم، م. (۱۳۹۵). ارزیابی اثرات راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی در توسعه پایدار روستایی با استفاده از رهیافت تئوری زمینه‌ای (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده شرق گلستان). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۱)، ۱۹۵-۱۸۱.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/47384>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

همه‌ساله بلایای طبیعی، خسارت‌های گسترده‌ای را به‌ویژه در کشورهای رو به توسعه باعث می‌شوند و شواهد موجود نیز نشان‌دهنده افزایش مداوم انواع بحران‌های طبیعی از نظر شدت و فراوانی هستند. تنها در سال ۲۰۱۳ میلادی بالغ بر ۲۲۲۷۹ نفر بر اثر بروز ۳۱۵ بلایای طبیعی در جهان جان خود از دست داده‌اند (پایگاه بین‌المللی داده‌های بلایا، ۲۰۱۴، ص. ۱). جمهوری اسلامی ایران، ششمین کشور مستعد بروز بلایا در جهان است (اردلان و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۱۹۹). بخش عمده‌ای از بلایای طبیعی، در نواحی روستایی کشور رخ می‌دهد که به لحاظ ضعف امکانات در این نواحی آسیب‌های بسیاری را برای ساکنان روستاها ایجاد می‌کند. توجه به نواحی روستایی در این زمینه اهمیت بسیار دارد؛ زیرا در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۸/۵ درصد جمعیت کشور، ساکنان مناطق روستایی بوده‌اند که در حدود ۶۳۹۰۰ روستا زندگی می‌کنند، این در حالی است که سطح اجتماعی-اقتصادی روستاها، ضعف سازه‌ها، این مناطق را در برابر بلایا بسیار آسیب‌پذیر کرده‌است (پورطاهری، رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰).

آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی، علاوه بر بعد کالبدی-فیزیکی، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستاها را نیز به شدت متأثر و گاه نابود می‌کنند. در چنین فضایی و به دلیل محدودیت منابع اعتباری دولت، سیاست‌ها و راهکارهایی مورد اقبال قرار می‌گیرند که بر استفاده بهینه از منابع، مبتنی باشند. جابه‌جایی و ادغام یا تجمیع روستاها، از جمله این راهکارها هستند که برای استفاده بهینه از منابع و جهت‌دادن به سرمایه-گذاری‌های دولت و ایجاد امنیت و بهبود رفاه روستاییان در معرض آسیب حوادث طبیعی یا آسیب‌دیده به آن توجه می‌شود (منتظربون، ۱۳۹۰، ص. ۳۷).

برنامه‌ریزی در راستای مقابله و مواجهه با بلایای طبیعی، به-عنوان یکی از سازوکارهای رسیدن به توسعه، مستلزم شناخت دقیق جوامع روستایی، ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی آن‌ها است و به‌طور حتم، باید متناسب با شرایط مختلف زمانی و مکانی-فضایی باشد. در این میان، مدیریت و سامان‌دهی روستاهای آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، یکی از دغدغه‌ها و اولویت‌های مدیران و برنامه‌ریزان دولتی ما است (جلالیان، سلیمانگلی و طورانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۱).

بینش حاکم بر اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام (صرفه‌جویی اقتصادی) برای ارائه خدمات باعث شده‌است که به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست-محیطی و غیره آن کمتر توجه شود. از این رو، این بی‌توجهی سبب شده-است که به‌کارگیری و اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام بعضاً با پیامدهای سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی همراه شود و حتی اجرای آن‌ها را در برخی از موارد متوقف سازد (فیروزنیا، موسی‌کاظمی و صادقی‌طاهری، ۱۳۹۰، ص. ۸۰).

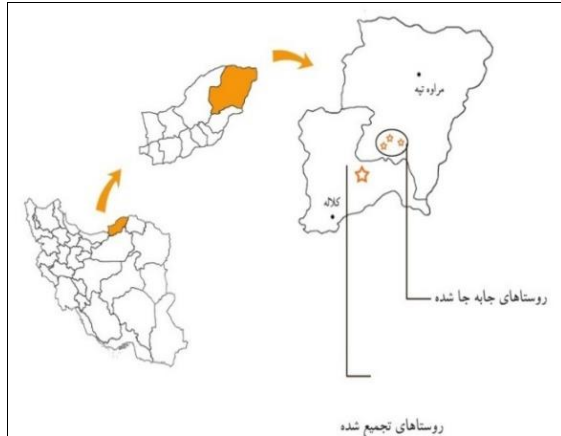
با توجه به گزارش‌های موجود در این زمینه، طرح‌های اسکان مجدد، نتایج و پیامدهای مثبت و منفی در پی داشته‌اند که در اغلب موارد، پیامدهای منفی آن‌ها بیشتر بوده‌است. علت اصلی موفق نبودن این طرح‌ها در کشورهای فقیر و درحال توسعه، به‌طور عمده، در ساختار ناهماهنگ فرهنگی و اجتماعی آن مناطق و جامعیت‌نداشتن طرح‌ها ذکر شده‌است؛ زیرا سکونت‌گاه و مجتمع زیستی؛ اعم از کوچک و بزرگ، عمیقاً در اکولوژی محلی، منطقه‌ای و اجتماعی خود ریشه دوانیده‌اند و مردم تمایل ندارند به‌سادگی تغییر مکان دهند؛ مگر آن‌که از نظر آن‌ها فواید جابه‌جایی و تمرکز دوباره، قابل توجه و چشم‌گیر باشد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۸۴).

شواهد نشان می‌دهد، نبود ارزیابی‌ها و دانش کافی موضوع بازسازی موجب شده که بسیاری از اقدامات بازسازی، ناپایدار باشند (یاتادسانون، ۲۰۱۴، ص. ۱۶۱؛ رضوانی، کویکی، منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۸۸).

استان گلستان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۷۷۰۱۴ نفر از جمله استان‌های حادثه‌خیز کشور است. سیلاب یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر رودخانه‌های استان است. بررسی‌های افتخاری و همکاران نشان می‌دهد از بین ۲۳۶ روستا حوزه آبخیز گرگانود در استان گلستان، تعداد ۱۵۶ روستا در گروه روستاهای با خطر بالا، ۴۴ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل متوسط و ۳۶ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل پایین قرار دارند (افتخاری، پورطاهری، صادقلو و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰).

بارش باران‌های شدید در مرداد ۱۳۸۴ در نواحی شرقی استان گلستان به رخداد دو سیل ویران‌گر منجر شد که این سیلاب‌ها از جمله خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بود (شریفی، صمدی و ویلسون، ۲۰۱۲، ص. ۵۳۳). برای جلوگیری از تکرار مجدد رویداد سیل در مناطق سیل‌زده، به انتقال سه روستا به‌صورت محدود به فواصل کمتر از دو کیلومتر

خانوار و خانوارهای ساکن سه روستای قولاق کسن، بق قجه بالا و بق قجه پایین به میزان ۳۴۹ خانوار واقع در شرق استان گلستان است (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۴

با توجه به این که تجربه‌های قبلی تجمیع و جابه‌جایی روستاها در کشور که پیامدهای نامطلوبی را به‌ویژه به لحاظ مسائل قومی و طایفه‌ای به‌وجود آورده بود، در طرح اسکان مجدد این ناحیه سعی شد به‌گونه‌ای عمل شود که کمترین مسائل قومی و طایفه‌ای به‌وجود آید. همه روستاهای جابه‌جاشده، ترکمن‌نشین و اهالی آن، همگی از طایفه گولگان هستند و به لحاظ فرهنگ، عادات، سطح طبقاتی و کسب و کار، وضعیت یکسانی بین ساکنان هست (پهلوان‌زاده، رضوانی و محمدی استادکلایه، ۱۳۹۱، ص. ۹۹).

۲.۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از بعد روش از نظریه بنیانی استفاده کرده است. از آن‌جا که در بسیاری از مطالعات انجام‌شده، تأکید تنها بر روش تحقیق کمی بوده است، در این تحقیق سعی شده، در چارچوب یک پژوهش علمی-میدانی، به ارزیابی اثرات الگوهای مختلف اسکان مجدد به کمک رهیافت روش تحقیق کیفی تئوری زمینه‌ای بر جوامع جابه‌جاشده اقدام شود.

این روش آفرینش نظریه به روش استقرایی و تلاش برای درک درست و احساس مناسب از وقایع روزمره است. همچنین، تلاشی است برای درک دنیای مشارکت‌کنندگان، آن‌طور که خود آن‌ها ساخته‌اند (اسماعیلی، صلصالی، چراغی، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۸).

از محل قدیم روستاها و همچنین، جابه‌جایی توأم با تجمیع یازده روستا به منطقه فراغی اقدام شد (منتظریون، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). تا کنون مطالعات متعددی در زمینه اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی اجرای طرح‌های اسکان مجدد صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات رحمتی (۱۳۸۵)، صادقی ورداک، کوفی، تریگورانسیا (۲۰۱۳) اشاره کرد.

بررسی‌های رحمتی (۱۳۸۵) نشان داد که جابه‌جایی و ادغام روستاها از نظر فیزیکی سبب افزایش توانایی روستاهای مذکور در برابر آسیب‌های طبیعی و برخورداری آن‌ها از برخی امکانات زیربنایی شده است؛ اما در کنار آن، جابه‌جایی و ادغام دگرگونی‌هایی را رقم زده که از نظر اجتماعی و اقتصادی، حداقل در کوتاه‌مدت، آسیب‌هایی را برای ساکنان این روستاها به‌وجود آورده است.

صادقی ورداک و همکاران (۲۰۱۲) اقدام به بررسی دلایل شکست پروژه‌های اسکان مجدد پس از بروز بلاها و اثرات منفی این پروژه‌ها در درازمدت پرداختند و نتیجه‌گیری کردند، پروژه‌های بازسازی را از نظرگاه پایداری عوامل فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی در طول فرآیند تصمیم‌گیری جنبه‌های منفی دارند.

با اجرای طرح جابه‌جایی روستاهای سیلزده واقع در شرق استان گلستان، دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف فضایی-کالبدی این روستا پدید آمده است و سیستم اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستا به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است (منتظریون، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). از این‌رو، در تحقیق حاضر با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی شد تا به این سؤال پاسخ دهیم که افراد جوامع مورد مطالعه، اثرات اسکان مجدد را در توسعه پایدار جوامع خود چگونه ارزیابی می‌کنند؟ در این راستا، از طریق فنون مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی، داده‌ها گردآوری و سپس با استفاده از راهبرد نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

محدوده مورد مطالعه بین عرض‌های ۳۷ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه شمالی و طول‌های ۵۵ درجه و ۵۴ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۲۰ دقیقه شرقی واقع شده است. جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای ساکن در شهر فراغی (تجمیع ۱۱ روستای قزل‌طاق، آق‌طوقه، چاتال، خوجه‌لر، کروک، پاشایی، قپان‌علیا، قپان‌سفلی، سیدلر، شیخ‌لر و دوجی) به میزان ۱۰۴۳

در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته که توسط مجموعه‌ای از پرسش‌ها و مباحث شکل گرفته و به صورت یک فهرست بازبینی (چک‌لیست) از آن چه که باید پرسش شود، انجام شده است. از آنجایی که افراد در محیط‌های گروهی فرصت کافی و مناسب برای ابراز حقایق و ایده‌های خود نمی‌یافتند، برای درک عمیق واقعیت‌ها مصاحبه‌ها غالباً به صورت انفرادی و ژرف‌نگرانه انجام شد. مصاحبه‌های انجام‌شده علاوه بر یادداشت‌برداری، با نظر موافق مصاحبه‌شونده هم‌زمان ضبط یا فیلم‌برداری شدند.

در این پژوهش، سطح تحلیل شهر جدید فراغی، حاصل از تجمیع یازده روستای آسیب‌دیده از سیل و روستاهای جابه‌جاشده بقچه پایین، بقچه بالا و قولاق کسن و واحد تحلیل مطلعان محلی بوده‌اند. حجم نمونه به تعداد ۱۷ نفر در شهر فراغی و ۱۱ نفر در سه روستای جابه‌جا شده به وسیله روش گلوله برفی از بین مطلعان محلی تعیین شده است. مصاحبه با افراد نمونه تا زمانی ادامه پیدا کرد که پژوهش‌گر به این باور رسید که اظهارنظرها درباره موضوع و هدف پژوهش به حالتی یکنواخت و تکراری رسیده است و به عبارتی، جست‌وجوی بیشتر به یافتن داده‌های جدیدتر منجر نمی‌شود.

در روش نظریه بنیانی، برای سه وجهی‌سازی، از استراتژی «تکثرگرایی داده» استفاده شده است. این راهبرد، بر جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف تأکید دارد. بنابراین، در این مطالعه، مسؤولان محلی از قبیل اعضای شورای اسلامی شهر و روستا و کارشناسان دولتی در کنار مطلعان مورد مطالعه قرار گرفتند. از سوی دیگر، برای تأمین روایی تحقیق علاوه بر تکثرگرایی داده، از راهبرد «بازخور مشارکت‌کننده» نیز استفاده شد؛ به عبارت

دیگر، تفسیر محقق از اظهارات مصاحبه‌شوندگان، به آن‌ها ارایه و با توجه به بازخورهای دریافتی، اصلاحات ضروری در برداشتها انجام می‌شد. با بهره‌گیری از روش نظریه بنیانی، ابتدا فایل‌های صوتی، تصویری و یادداشت‌های حاصل از مطالعه میدانی بررسی شد و تفسیر و برداشتها، مجدداً یادداشت شد. حاصل این مرحله، ثبت نکات اصلی و برجسته بوده است. در این پژوهش با اجرای نظام‌وار پنج مرحله روش نظریه بنیانی و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی)، مدل مفهومی روش نظریه بنیانی تهیه شد و تأیید کارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان بر اعتبار آن صحت گذاشت.

مهم‌ترین فرآیند در نظریه بنیانی، تحلیل داده‌ها است. در مرحله اول تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز انجام شده است. در این مرحله از دو شیوه برای کدگذاری استفاده شده است: الف) کدهای دلالت‌انگیز که بر مبنای مفاهیم موجود در اطلاعات ساخته شده‌اند. ب) کدها از زبان فرد مصاحبه‌شده. در پژوهش حاضر برای انجام کدگذاری باز، یادداشت‌های میدانی مرور شد و پس از استخراج جملات اصلی آن‌ها، اجزای مشابه و معنی‌دار مباحث به صورت کدهایی ثبت شد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مثال اول: (داده خام) جوانان چون کاری ندارند، بیشتر در خیابان‌ها جمع می‌شوند.

(مفهوم) ← نبود فرصت‌های شغلی

مثال دوم: (داده خام) امکانات قبلی ما در محل قدیم بدون استفاده مانده است.

(مفهوم) ← هدررفت منابع قدیمی تولید

جدول ۱- برخی از مفاهیم نهایی موجود در تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

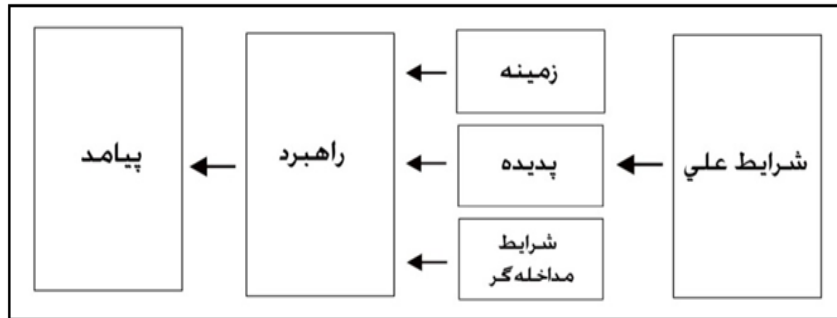
نبود فرصت‌های شغلی	گسترش مهاجرت شغلی	نبود امنیت شغلی	گسترش مشاغل خدماتی	کاهش مشاغل تولیدی
فقر عمومی	کاهش تولید	نبود حمایت دولت	محدودیت برای ادامه تحصیل	درگیری و نزاع بین محلات
سست شدن بنیان خانواده	افزایش هزینه‌های تولید	بهبود بهداشت عمومی	کاهش روابط صمیمانه	افزایش ارزش املاک و دارایی
تغییر ساختار خانواده	رهاکردن مدرسه	کاهش نفوذ بهروزان	کاهش اقتدار سنتی	کاهش امنیت

در مرحله کدگذاری محوری، داده‌های کدگذاری‌شده با یکدیگر مقایسه شدند و به صورت خوشه‌هایی که با هم تناسب دارند، درآمدند. کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بود با موارد مشابه ادغام شد و ارتباط بین خرده‌طبقات مشخص و طبقاتی با مفاهیم جدید شکل گرفت.

فرآیند کدگذاری محوری با استفاده از یک پارادایم که متضمن شرایط علی پدیده، زمینه، شرایط میانجی، کنش یا راهبردهای کنش و پیامدها ست، صورت می‌گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ص. ۹۷). در شکل (۲) نمایش داده شده است:

مقوله:
اشتغال

(مفهوم ۱) نبود فرصت‌های شغلی ←
(مفهوم ۲) گسترش مهاجرت‌های شغلی ←
(مفهوم ۳) عدم وجود امنیت شغلی ←



شکل ۲- مدل پارادایمی در گراندد تئوری

مأخذ: حاج باقری و صلصالی، ۱۳۸۲

خود جلب کرده است (بدری و افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۵؛ فتحی و مطلق، ۱۳۸۹، ص. ۳؛ پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱). به این خاطر است که به‌کارگیری این شیوه‌ها (به‌ویژه شیوه ادغام و تجمیع) غالباً در کشورهای در حال توسعه، مورد توجه قرار گرفته و اجرا شده‌است. بینش حاکم بر اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام (صرفه‌جویی اقتصادی) برای ارائه خدمات باعث شده است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، فضایی-کالبدی آن کمتر مورد توجه قرار گیرد. از این رو، این کمبود توجه سبب شده‌است که به‌کارگیری و اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام بعضاً با پیامدهای سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و غیره همراه شود و حتی اجرای آن‌ها را در برخی از موارد متوقف سازد (اورونی، ۲۰۱۱، ص. ۲۳۸).

به‌طور کلی، دیدگاه‌های موجود در زمینه مطالعه سکونت‌گاه‌های روستایی را می‌توان در پنج دسته اصلی: نظریه سیاسی، نظریه برنامه‌ریزی، نظریه‌های اجتماعی، نظریه اقتصادی و نظریه‌های شکلی خلاصه کرد. از بین این نظریات، نظریه‌های اجتماعی بر وجود ارتباط قوی میان برنامه‌ریزی و نظریه‌های اجتماعی تأکید داشته و بر پذیرش توانایی و مؤثر بودن طراح و برنامه‌ریز بودن انسان در برنامه‌ریزی‌ها صحه می‌گذارد. نظریه‌های شکلی نیز با تأکید بر تبیین روند برنامه‌ریزی‌های روستایی در چارچوب نظریه‌های ساختی و نقد و ارزیابی سیاست‌های مختلف و نیز برنامه‌های اجرا شده، همکاری میان علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی را به عنوان مبنایی برای آگاهی از سیاست‌های برنامه‌ریزی، ذکر می‌کنند.

در مرحله سوم که مرحله کدگذاری انتخابی است، جمله‌هایی که پیش‌تر کدگذاری شدند، با هم ترکیب شده‌اند تا مقوله‌ای که قادر است سایر طبقات یا مفاهیم را به یکدیگر ارتباط دهد، شناسایی شود و چارچوب مفهومی پژوهش، به تدریج شکل گیرد. فعالیت عمده و اصلی این مرحله، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقات را شامل می‌شود. در این مرحله بر فرآیندهایی که در طول پژوهش رخ داده، تحلیلی کل‌نگرانه صورت گرفته است.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. اسکان مجدد

اسکان مجدد، بازتابی از اجرای به‌گزینی استقرار مجدد جمعیت روستایی، به منظور برخورداری از بهبود فعالیت‌های تولیدی و نیز بهسازی استانداردهای زندگی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰). بررسی پدیده اسکان مجدد در کشورهای در حال توسعه، نشان‌گر این است که پدیده مذکور عمدتاً به یک یا چند دلیل از قبیل رویارویی با حوادث طبیعی، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و دلایل سیاسی- امنیتی انجام می‌شود (آقبا، اکپانیدوده، اوشی، ۲۰۱۰، ص. ۵). معمولاً چهار الگوی درجاسازی، الگوی توسعه پیوسته، الگوی جابه‌جایی (انتقال) و الگوی تجمیع و ادغام برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده و یا تخریب‌شده در اثر بروز بلایای طبیعی در پیش گرفته می‌شوند (کرامینیچ و یاتادسانون، ۲۰۱۳، ص. ۳۵۵).

در بین شیوه‌های فوق، شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های «صرفه‌جویی اقتصادی» در ارائه امکانات و خدمات است، نظر دست‌اندرکاران عمران و توسعه روستایی را بیشتر به

نظریه‌های اخیر خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند: الگوی سلسله‌مراتبی سکونت‌گاهی، تغییرات آستانه‌ها، اقتصاد مقیاس و مراکز رشد. در این میان، نظریه اقتصاد مقیاس که با توجه به محدودیت منابع و نبود توانایی حمایت از روستاهای کوچک در زمینه آرایه امکانات مختلف خدماتی، بالابودن هزینه‌ها و سودمند نبودن خدمات‌رسانی به این نوع روستاها، در چارچوب نظریه کلاسیک بنگاه‌ها، صرفه‌جویی ناشی از مقیاس را براساس انجام خدمات‌رسانی در مراکز جمعیتی بزرگ، توصیه می‌کند، به لحاظ تطابق و نزدیکی چارچوب و اصول بنیادین آن با موضوع تحقیق حاضر، به‌عنوان یکی از پایه‌های نظریه‌ای در نظر گرفته شده است؛ علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جابه‌جایی و تجمع روستاها، آثار کوتاه و بلندمدت این سیاست بر ساختار فضایی کشور از یک طرف و توسعه پایدار سکونت‌گاه‌ها از طرف دیگر است (بدری و افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۵).

در ادبیات توسعه روستایی دو دیدگاه و یک راهبرد درباره جابه‌جایی مکانی و ادغام روستاها مطرح است. با توجه به رویکردهای موجود به موضوع پژوهش، سه جنبه مورد توجه در دیدگاه‌ها و راهبرد معطوف به جابه‌جایی و ادغام عبارت‌اند از دیدگاه موافق، دیدگاه مخالف و راهبرد معطوف به توسعه که می‌توان آن را تلفیقی از دو دیدگاه موافق و مخالف در نظر گرفت.

- دیدگاه موافق

استدلال برخی از تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران منطقه‌ای و ملی در موافقت با جابه‌جایی و ادغام روستاها ناظر بر این امر است که پراکنش روستاها در نقاط متعدد سرزمین مانعی عمده در جهت توسعه روستایی به‌شمار می‌آید و با تمرکز واحدهای خدماتی در نقاط روستایی می‌توان به میزان کارایی آن‌ها افزود و شرایط زندگی مردمان با تمرکز مکانی و فضایی خدمات مطلوب‌تر خواهد شد (توکلی، ۱۳۸۰، ص. ۴۶).

- دیدگاه مخالف

گروهی از اندیشمندان به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با اشاره به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها، بر این باورند که تا حد امکان باید در حفظ روستاها در مکان‌های اصلی خود تلاش کرد. به اعتقاد این صاحب‌نظران، روستا تنها یک فضای فیزیکی نیست که به‌سادگی بتوان آن را از جایی به جایی دیگر منتقل کرد. هر روستا هویتی مستقل دارد و زندگی و روابط ذهنی آن بسیار

غنی و پیچیده است. به باور برخی از این اندیشمندان، جابه‌جایی و ادغام روستاها سبب گسستگی در وحدت و پیوستگی مردم و زوال حافظه جمعی و احساس هویت می‌شود. برخی دیگر، توزیع متعادل جمعیت در عرصه سرزمین را سبب گسترش آبادانی دانسته و متمرکز ساختن جمعیت را در نقاطی خاص در تعارض با امنیت سیاسی و اقتصادی کشور تلقی می‌کنند (توکلی، ۱۳۸۰، ص. ۱۲). سرانجام، این‌که برخی از پژوهش‌گران علوم اجتماعی که به طور مشخص به جابه‌جایی انسان‌ها و ادغام مجموعه‌ای زیستی در هنگام بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله اشاره کرده‌اند، بر این باورند که جابه‌جایی انسان‌ها می‌تواند به طولانی‌شدن بحران حاصل از وقوع فاجعه‌ای طبیعی منجر شود و بروز عوارضی مانند تحلیل ذخیره‌های اقتصادی و اجتماعی و وابستگی به کمک‌های خارجی و غیره را سبب شود که در دراز-مدت دست‌کمی از عوارض نخستین فاجعه‌ها ندارند (مشیری، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۰).

- راهبرد معطوف به توسعه

در این راهبرد، هدف از جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت-های روستایی بهبود وضعیت فعلی جمعیت تحت پوشش طرح و ارتقای زندگی آن‌ها به سطحی قابل قبول‌تر در چارچوب توسعه منطقه‌ای و ملی است. در بسیاری از تجربه‌های جهانی مکان‌یابی در حوزه روستایی بیشتر به ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در برنامه تجدید اسکان و جابه‌جایی روستاییان از منطقه‌ای به منطقه دیگر مربوط می‌شود که ناشی از اجرای پروژه‌های وسیع از قبیل احداث سدها و ایجاد مخازن بزرگ آبی و غیره است (فتحی و مطلق، ۱۳۸۹، ص. ۳). ماهیت این راهبرد این است که پروژه‌های توسعه که در آن مبادرت به جابه‌جایی مردمان به‌ویژه به صورت اجباری می‌شود، معمولاً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی را به‌بار می‌آورد؛ زیرا نظام‌های تولید در معرض تهاجم قرار می‌گیرند، دارایی‌ها و منابع تولیدی و درآمدزا از دست می‌روند، انسان‌ها در محیط تازه‌ای اسکان می‌یابند که امکان استفاده از مهارت‌ها و قابلیت‌های تولیدشان کاهش می‌یابد و از طرف دیگر، رقابت برای دست‌یابی به منابع، بیشتر می‌شود. ساختار محلی شبکه‌های روابط اجتماعی تضعیف می‌شوند، گروه‌های خویشاوندی پراکنده می‌شوند و در نهایت این‌که هویت فرهنگی، اقتدار سنتی و قابلیت همکاری متقابل از میان می‌رود. در صورت عدم انجام اقدامات مناسب و برنامه‌ریزی صحیح، جابه‌جایی

ریزان روستایی، توسعه پایدار به معنای تهیه برنامه‌هایی است که به فرم فیزیکی کارآ و روابط اجتماعی و اقتصادی قوی‌تر بینجامد یا از دیدگاهی دیگر، اهداف توسعه پایدار روستایی را می‌توان در امنیت غذایی، فقرزدایی، مشارکت، حفاظت از محیط زیست و خوداتکایی خلاصه کرد.

۴. یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی پروژه‌های توسعه که در آن مبادرت به جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت، به‌خصوص به‌صورت غیرداوطلبانه می‌شود، به‌دلیل تخریب نظام‌های تولیدی، معمولاً مشکلات اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی زیادی را موجب می‌شوند. دارایی‌ها و منابع تولیدی و درآمدزا از دست می‌روند و جمعیت آسیب‌دیده در محیطی جدید اسکان می‌یابند که امکان استفاده از مهارت‌ها و قابلیت‌های تولیدی آن‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، رقابت ناسالم برای دست‌یابی به منابع بیشتر باعث می‌شود، ساختار محلی شبکه‌های روابط اجتماعی تضعیف شده، در نهایت، اقتدار سنتی و قابلیت همکاری‌های متقابل از بین برود.

با توجه به آسیب‌پذیری بالای جوامع روستایی، وقوع رویدادی غیرمنتظره، همچون سیل، آن‌ها را در معرض فقر گسترده‌ای قرارداد و زمینه بروز رفتارهای جدید در عرصه فعالیت‌های معیشتی پدیدار شد. تبدیل روستایی مؤلد به کارگر ساده ساختمانی به بیکاری اجباری و ناخواسته بخش زیادی از جوامع آسیب‌دیده (مردانی که به‌رغم توان‌مندی در زمینه کشاورزی، قدرت کار در فعالیت‌های سخت کارگری را ندارند) منجر شد، تنوع منابع درآمدی روستاییان پیش از وقوع سیل که از طریق بهره‌برداری معقولانه از منابع محدود محیطی در کنار تحرک مکانی فعلی و استفاده از فرصت‌های شغلی موجود در عرصه‌های شهری امکان‌پذیر می‌شد، در سال‌های اولیه اسکان مجدد، چالش‌های زیادی را پیش روی جمعیت آسیب‌دیده قرار داد. بی‌توجهی مسئولان امر در ابتدای عملیات ادغام برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت تأمین نیازهای شغلی نیز مزید بر علت شد. به‌گونه‌ای که عده‌ای از اهالی روستاهای مذکور پس از دریافت تسهیلات مربوط به ساخت مسکن و زندگی موقت در محل جدید به علت بروز مشکلات، دوباره به روستاهای محل اقامت خود بازگشتند و بقیه افرادی که هنوز کوچ نکرده بودند، اصلاً به محل جدید نیامدند و مانند گذشته در منطقه سیل‌گیر سکنی گزیدند. مهم‌ترین دلیل مخالفت‌ها، در نظر نگرفتن

اجباری ممکن است سبب وارد شدن فشارهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی بر انسان‌های درگیر طرح شود (بانک جهانی، ۲۰۱۰، ص. ۵).

در این پروژه‌ها، تأکید بر این است که جمعیت جابه‌جاشده پس از اجرای طرح و تجدید اسکان در محل جدید استقرار، دارای شرایط مناسب‌تری از محل سابق خود باشند و حداقل استانداردهای زندگی پیشین خود را به‌دست آورند. از طرف دیگر، ادغام شرایط به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که جامعه میهمان از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با جامعه میزبان سازگاری داشته‌باشد. در واقع، راهبرد اخیر، بر حفظ موجودیت فعلی روستاها و مکان‌های جمعیتی تأکید دارد و تنها در صورت تضمین حفظ استانداردهای مورد نظر و رعایت معیارهای مناسب، اجرای پروژه‌های اسکان مجدد و جابه‌جایی و ادغام جمعیت‌های روستایی مجاز شمرده می‌شوند (توکلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲).

مفهوم پایداری در طرح‌های اسکان مجدد روستایی

اگر مفهوم پایداری را معادل قدرت انطباق اجتماع انسانی با شرایط جدید محیطی یا به‌عبارتی، توان ماندگاری در نظر بگیریم، ارزیابی پایداری اسکان مجدد به عنوان یکی از شیوه‌های بازسازی مناطق آسیب‌دیده روستایی در کانون توجه این تحقیق است. هر چند از نظر مفهومی هنوز در تعریف و تبیین اهداف توسعه پایدار اشتراک نظر کاملی وجود ندارد، برخی تعریف مبهمی را مطرح کرده، مدعی هستند که این شیوه از توسعه، این امکان را فراهم می‌آورد که زمینه و وجوه مشترک میان موقعیت‌های ناسازگار با محیط و توسعه از طریق این مفهوم میانی دنبال شود (بدری، ۱۳۸۰، ص. ۲۶). بنابراین، توسعه پایدار باید ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون تخریب محیط زیست، حفظ بهترین کیفیت زندگی برای مردم، جلوگیری از کاهش امکان انتخاب برای نسل‌های آینده و در نهایت، جلوگیری از بروز، کاهش شدت و یا حداقل اجتناب از عوارض نامطلوب بلایا و حوادث غیرمترقبه طبیعی را تضمین کند (بحرینی و حاجی‌بنده، ۱۳۹۰، ص. ۵۲). بدیهی است اهداف مذکور اتخاذ یک رویکرد عمل‌گرایانه مبتنی بر تحقیق، نظارت و ارزیابی دقیق تأثیرات را ایجاب می‌کند. با در نظر گرفتن مفهوم توسعه پایدار و معیارهای دستیابی به آن که امروزه به‌تدریج در حال شناسایی هستند، لازم است وضع موجود روستاها از یک طرف و آثار سیاست اسکان مجدد از طرف دیگر، در رابطه با توسعه پایدار بررسی شود. برای برنامه-

۱۷۵۹ خانوار به دلیل شرایط خاص مناطق، قرارگیری در حریم رودخانه، حریم جاده و همچنین، خطر ریزش کوه به محل‌های امن کوچ داده شوند.

مهم‌ترین انگیزه مردم از سکنی‌گزیدن در یک مکان، افزایش جمعیت آن‌ها به منظور جذب امکانات رفاهی و خدماتی و سرانه بیشتر به این مناطق بوده است. برخی از اهالی روستاهای جابه‌جا شده به صورت محدود نیز معتقد بودند در صورت تجمیع سه روستای قولاق کسن، بق قجه بالا و بق قجه پایین، امکان انتخاب سایت حاصل از تجمیع به عنوان مرکز بخش گلیداغ وجود داشته است. این امر می‌توانست به بهبود خدمات‌رسانی به اهالی روستاها منجر شود.

یکی دیگر از شروطی که اجرای راهبرد اسکان مجدد روستایی را در مناطق مورد مطالعه، تسهیل کرده است، تمایل تصمیم‌گیران و کارشناسان به جابه‌جایی و تجمیع است. در بین شیوه‌های مختلف الگوی اسکان مجدد، شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های «صرفه‌جویی اقتصادی» در آرایه امکانات و خدمات است، نظر دست‌اندرکاران عمران و توسعه روستایی را بیشتر به خود جلب کرده است؛ زیرا نبود امکانات مالی کافی و یا نبود توان اجرایی کافی و مناسب در آرایه خدمات و امکانات لازم به تمامی نقاط روستایی از یک طرف و دور افتاده بودن اغلب نقاط روستایی، جمعیت کم و تعدد و پراکندگی آن‌ها از طرف دیگر، از مشکلات عمران و توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است.

در مراحل مطالعات امکان‌سنجی طرح‌های جابه‌جایی، ستاد بازسازی با توجه به وسعت سطح خسارت‌دیده، کثرت روستاهای سیل‌زده و همچنین، تسهیل در آرایه خدمات، تسهیلات بازسازی، تأمین زیرساخت‌ها، امکانات‌دهی بهتر، امکان برنامه‌ریزی با نظم و ترتیب در ساخت‌وساز، تمرکز جمعیت، تحرک اقتصادی، بهبود شرایط فرهنگی، کاهش خطرات آبی طرح تجمیع و ادغام روستاها در کنار یک‌دیگر در سایت فراغی را مطرح کرد که ساکنان ۱۱ روستا با نام‌های قزل اتاق، آق طوقه، چاتال، خوجه لر، کروک، پاشایی، قاپان علیا، قاپان سفلی، سیدلر، شیخلر و دوجی که در سیلاب‌های اخیر گرگانرود و سرشاخه‌های آن خسارات زیادی دیده بودند، از این طرح استقبال و ۳ روستای قولاق کسن، بق قجه بالا و بق قجه پایین (داشلی الوم) ضمن مخالفت با این طرح تنها مایل به جابه‌جایی محدود به مراتع حومه روستاهای خود (در بالای کوه) و بدون ادغام با هیچ روستای دیگر بودند. برنامه‌ریزی و

وضعیت اشتغال مردمی بود که تحت پوشش این طرح قرار گرفته بودند (سعید، ۱۳۸۸، ص. ۲۳).

شرایط علی جابه‌جایی سکونت‌گاه‌ها

شرایط علی عبارت از حوادث و وقایع و اتفاق‌هایی است که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد. شرایط علی‌ای که اهالی روستاهای جابه‌جا شده آن را دلیل پدیده جابه‌جایی سکونت‌گاه‌های روستایی در منطقه مورد مطالعه دانسته‌اند، بروز سیلاب‌های مخرب طی سالیان اخیر، سکونت در حریم رودخانه‌ها و به تبع، آن آسیب‌پذیری بالای جوامع روستایی در برابر بلایای طبیعی دانسته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از بین ۲۳۶ روستای حوزه آبخیز گرگانرود در استان گلستان، تعداد ۱۵۶ روستا در گروه روستاهای با خطر بالا، ۴۴ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل متوسط و ۳۶ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل پایین قرار دارند. کلیه روستاها در منطقه مورد مطالعه، ساختار نامتعارف و سازه‌های ضعیفی دارند. نبود نظارت بر ساخت‌وساز در منطقه، همچنین، وجود عامل تعیین‌کننده صرفه‌جویی مالی به دلیل فقر مالی روستاییان، بر آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی افزوده است.

از جمله مهم‌ترین دلایل بروز سیلاب در منطقه می‌توان به دو دسته اصلی عوامل طبیعی و عوامل تشدیدکننده اشاره کرد. از جمله عوامل طبیعی می‌توان به شدت، میزان و تداوم بارش، زمین‌شناسی و خاک، شیب و پوشش گیاهی اشاره کرد. همچنین، مواردی از قبیل تغییر کاربری، کاهش تراکم جنگل‌ها و مراتع، جانمایی نامناسب ابنیه، نبود سیستم هشداردهی و آموزش مقابله با سیل، خشکسالی، استفاده خارج از ظرفیت طبیعی حوضه آبخیز در اثر رشد جمعیت و مهاجرت، رعایت نکردن حریم و بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها، از جمله عوامل تشدیدکننده سیلاب است.

شرایط مداخله‌گر

شروط مداخله‌گر، شرایطی هستند که باعث می‌شوند اجرای راهبردها، تسهیل یا محدود شود. یکی از این شرایط، ابراز تمایل ساکنان روستاهای آسیب‌دیده نسبت به جابه‌جایی و تجمیع روستاها است. ایده جابه‌جایی روستاها در مناطق سیل‌زده شرق استان گلستان پس از بررسی‌های اولیه و ارزیابی کلیه واحدهای خسارت‌دیده در ساعات اولیه سانحه قوت گرفت، با درخواست‌های مکرر مردم از فرمانداری شهرستان کلاله، مصوبات ستاد حوادث استان و شهرستان و فشارهای اجتماعی ناشی از اصرار مردم ناحیه، مقرر شد ۱۴ روستای سیل‌زده با

طراحی بهتر، کاهش خطرات آتی، نظم و ترتیب در ساخت و ساز از جمله دلایل برنامه‌ریزان برای جابه‌جایی روستا به صورت محدود بوده است.

از جمله موارد مداخله‌گر که موجب تسهیل پدیده جابه‌جایی روستاها و تجمیع آن‌ها شده است، وجود اعتماد به تصمیم‌گیران و کارگزاران؛ اعم از شوراهای اسلامی روستا، ریش‌سفیدان و سازمان‌های دولتی است. اهالی سایت فراغی اعتماد خود به شوراهای محلی و اطلاع‌نداشتن کامل از اثرات و پیامدهای تجمیع را دلیل خود برای پذیرش این الگو می‌دانند. تصمیم‌گیری در زمینه جابه‌جایی و تجمیع روستاها در سطح شوراها و معتمدان محلی صورت گرفته است. این تصمیم به سطح عموم جامعه روستایی تعمیم نیافته است. بنابراین، روستائیان میزان مشارکت خود را در این تصمیم‌گیری کم ارزیابی می‌کنند.

از دیگر شرایط تسهیل‌کننده اسکان مجدد ترس از بروز بلایای مشابه در منطقه است. بروز پی‌درپی سیلاب طی سالیان اخیر، به‌ویژه در مردادماه سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ (دو سیل) اهالی روستاهای مشمول طرح جابه‌جایی را در شرایط روحی و روانی سختی قرار داده بود.

شرایط زمینه‌ای

زمینه یک پدیده در واقع همان محل وقوع حوادث و وقایع متعلق به یک پدیده است که در طول طیف بعدی، نشان‌گر سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل صورت می‌گیرد. در پژوهش حاضر، محل وقوع پدیده (جابه‌جایی روستاها)، روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان واقع در شهرستان‌های کلاله و مراوه‌تپه است. به نظر اهالی روستاهای جابه‌جا شده، روستاها و مناطق سکونت قبلی دائماً در معرض خطر سیل و رانش دامنه کوه قرار داشته و سیلاب ضمن وارد کردن تلفات جانی، به محصولات زراعی روستائیان نیز خسارت وارد می‌کرد. برخی از ساکنان شهر جدید فراغی تبدیل روستاها به شهر و افزایش امکانات و خدمات را دلیلی برای پذیرش پدیده جابه‌جایی و تجمیع روستاها اعلام کردند.

پیامدهای به‌کارگیری راهبردها

پس از گذشت ۷ سال از جابه‌جایی روستاهای سیل‌زده در شرق استان گلستان که در راستای کاهش آسیب‌پذیری روستاها در برابر سیلاب‌های مخرب بوده است، هرچند گام‌های مؤثری در راستای توسعه پایدار روستایی برداشته شده است؛ اما

هنوز راهی طولانی برای نیل به اهداف توسعه پایدار باقی مانده است.

از جمله موارد مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان، مشکلات اشتغال به‌ویژه اشتغال جوانان در روستاهای جابه‌جاشده (اعم از جابه‌جایی محدود و تجمیع) است. به‌طور کلی، جابه‌جایی روستاها تأثیر مثبتی در افزایش اشتغال نداشته است، هر چند ایجاد مشاغل خدماتی تا حدودی به ایجاد اشتغال کمک کرده است؛ اما افزایش تعداد خانوارهای هسته‌ای و در نتیجه، افزایش تعداد خانوار، نیاز سرپرستان خانوار را برای دارابودن استقلال مالی بیشتر کرده است. با توجه به نبود زمینه‌های اشتغال در محیط پیرامون و نبود تخصص کافی، جوانان به‌ناچار به مشاغل کارگری در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران و سمنان روی آورده‌اند. همچنین، بررسی‌ها نشان داد، اشتغال در مشاغل کارگری شهرهای بزرگ، امنیت شغلی مناسبی ندارد. فاصله زیاد محل اسکان تا محل اشتغال، مشکلات عدیده‌ای را برای خانواده‌های کارگران ایجاد کرده است.

در بخش تولید محصولات کشاورزی، اهالی شهر جدید فراغی جابه‌جایی و تجمیع روستاها را عامل مهمی در کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی می‌دانند. از جمله دلایل کاهش تولید محصولات کشاورزی می‌توان به افزایش میزان فاصله بین اراضی کشاورزی و محل سکونت و در نتیجه، کاهش میزان سرکشی به مزارع و اراضی کشاورزی اشاره کرد. فاصله زیاد بین محل سکونت و مزارع، افزایش هزینه‌های تولید را نیز به‌دنبال داشته است. میزان کم تسهیلات دریافتی و افزایش میزان هزینه‌های جاری زندگی، پیش فروش محصولات کشاورزی و اجاره طولانی‌مدت اراضی کشاورزی را به‌دنبال داشته است.

با توجه به تجمیع روستاها و کمبود امکان نگهداری دام‌ها در محیط شهری و در کنار واحدهای مسکونی، میزان تولید محصولات دامی، کاهش چشم‌گیری پیدا کرده است. برخی از اهالی، به‌ویژه دامداران با اجتناب از جابه‌جایی سکونت در محل روستای قدیمی و در معرض خطر سیلاب را ترجیح داده‌اند.

اهالی سه روستای جابه‌جا شده نیز به کاهش میزان تولیدات دامی اشاره کرده‌اند و معتقدند در صورت جابه‌جایی و تجمیع در سایت فراغی، به‌طور کلی کشاورزی و دامداری روستا نابود می‌شد. برخی از اهالی روستا افزایش تولیدات کشاورزی را با جابه‌جایی روستاها و تغییر نوع الگوی کشت و شرایط جوی طی سالیان اخیر، مرتبط می‌دانستند. در روستای

قولات کسن دامداری به صورت محدود در مناطق جدید مشاهده می‌شود که این امر به دلیل نظارت کم مسؤولان امر بهداشت روستایی و مساحت بیشتر عرصه خانه‌های روستایی در این روستا است.

در بخش درآمد و سرمایه روستاییان در هر دو الگوی مورد بررسی معتقد به افزایش میزان سرمایه‌های اهالی (از قبیل ماشین و محصولات بادوام) پس از جابه‌جایی هستند؛ اما این امر را با میزان بدهی به بانک‌ها و مؤسسات مالی مرتبط می‌دانند. از جمله مسایل مهم مردم در مناطق مورد بررسی، ناتوانی در بازپرداخت وام دریافتی از بانک‌ها به‌منظور بازسازی مسکن است (میزان بازپرداخت وام سالانه ۵۰۰ هزار تومان است). بالغ بر ۱۴۲ نفر از اهالی شهر جدید فراغی که قبل از وقوع سیلاب سال ۱۳۸۴ وام بازسازی دریافت کرده بودند، مجبور به بازپرداخت ۲ فقره وام هستند که این موضوع مشکلات عدیده‌ای را برای آن‌ها به دنبال داشته است.

موضوع دیگری که مصاحبه‌شوندگان در شهر فراغی به آن اشاره داشته‌اند، نبود امکانات زیربنایی و رفاهی کافی است. مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره داشتند که اگرچه این‌جا شهر است؛ اما امکانات شهری ندارند. در شهر جدید فراغی جداول دفع آب‌های سطحی، به‌خوبی جریان آب را هدایت نکرده، آب حاصل از بارندگی در محله‌های شیخ‌لر و سیدلر لجن‌زار ایجاد می‌کند.

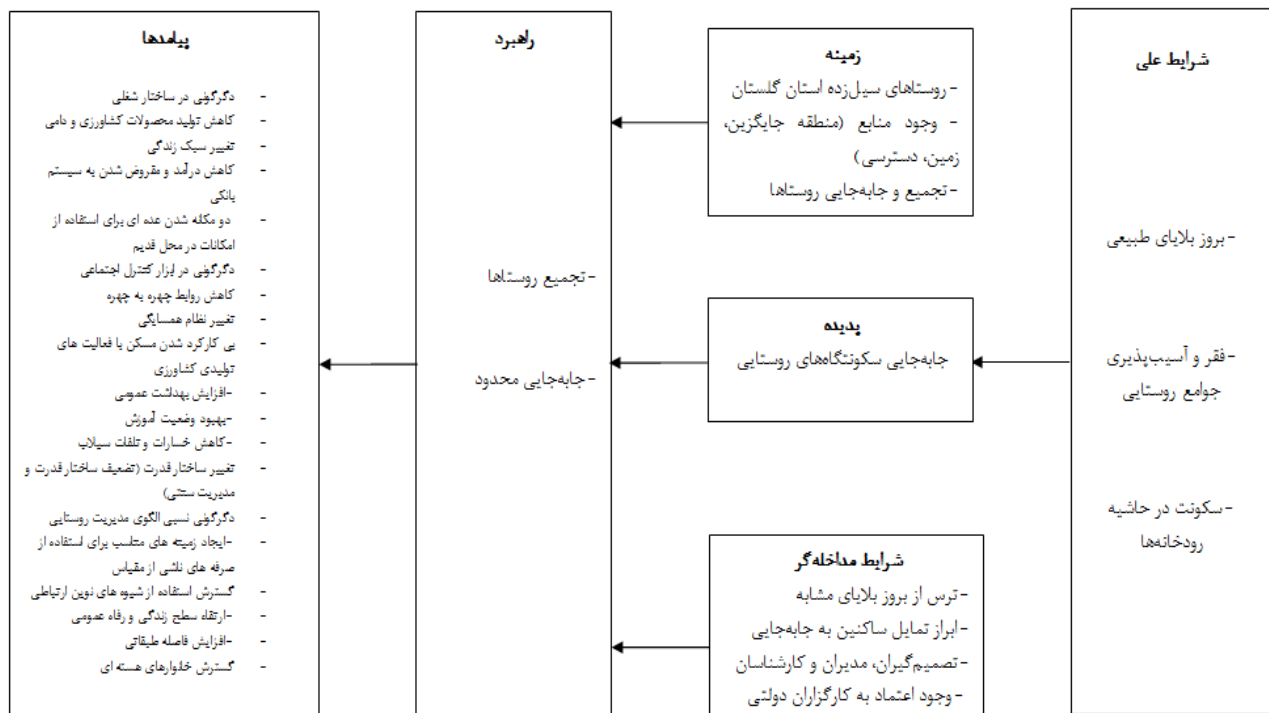
کمبود امکانات ورزشی، امکانات فرهنگی و هنری و نبود مکان مناسب برای گذراندن اوقات فراغت و نامناسب بودن مکان بازی کودکان، از جمله مسائل و مشکلات اهالی فراغی در بخش خدمات زیربنایی و رفاهی است. امکانات زمین بازی کودکان کم بوده و با فاصله از برخی از محله‌های شهر قرار گرفته‌است. نبود مکان مناسب برای گذراندن اوقات فراغت در محل کاملاً محسوس است.

کمبود آب بهداشتی از جمله مهم‌ترین مسایل سه روستای جابه‌جا شده پس از وقوع سیلاب است، میزان سهمیه آب هر خانوار ۱۰۰۰ لیتر در هفته بوده که این میزان بدون در نظر گرفتن بعد خانوار به آن‌ها تعلق می‌گیرد. خانوارهای روستایی از این میزان آب شرب، برای مصارف بهداشتی خود استفاده کرده، گاهی در اختیار دام نیز قرار می‌دهند. این میزان آب توسط کامیون‌های شرکت آب و فاضلاب روستایی به صورت رایگان بین اهالی تقسیم می‌شود.

رضایت مردم روستاهای جابه‌جا شده از کمیت آب شرب در قبل از جابه‌جایی، بیشتر بوده است. از دیدگاه مردم در هر دو سایت، جابه‌جایی محدود و تجمیع، کیفیت آب شرب در بعد از سیل، تفاوت چندانی با قبل از سیل نکرده است و در مواقع بارندگی، آب در دسترس مردم، بسیار گل‌آلود است. جاده‌های اصلی واقع در هر دو الگوی مورد مطالعه، آسفالت بوده؛ اما کوچه‌های داخل روستاها و محله‌ها خاکی هستند. جاده دسترسی به روستاهای بقچه پایین و بقچه بالا شیب بسیار زیاد داشته، همچنین، به‌دلیل رعایت نکردن ضوابط راه‌سازی و فرسایش‌پذیری بالا، تخریب شده و به گفته اهالی تلاش مناسبی نیز برای اصلاح اساسی آن صورت نگرفته است.

با توجه به گفتگوهای صورت‌گرفته با اهالی روستاهای بقچه بالا و بقچه پایین و قولات کسن پس از جابه‌جایی روستاها گرایش به شهر کلاله به عنوان نزدیک‌ترین مرکز جمعیتی افزایش یافته‌است. براساس تقسیمات جدید کشوری، روستاهای جابه‌جاشده در حوزه استحفاظی شهرستان مراوه تپه قرار گرفته‌اند، فاصله ۶۵ کیلومتری روستاها با شهر مراوه تپه، مشکلات فراوانی را برای ساکنان روستاهای جابه‌جا شده فراهم کرده است. از جمله مشکلات اهالی روستاهای جابه‌جا شده، دسترسی‌نداشتن به خدمات تلفن ثابت و اینترنت است. همچنین، مسیر دسترسی به شهر گلیداغ به عنوان مرکز بخش، برفگیر و صعب‌العبور بوده که این موضوع تردد روزانه در زمان بارش برف را دشوار می‌کند.

ساکنان شهر جدید فراغی به‌دلیل مرکزیت بخش فراغی و مستقرشدن نهادها و ادارات مختلف دولتی؛ اعم از بخشداری، بهزیستی و غیره، نیاز کمتری به شهر کلاله را احساس می‌کنند. مهم‌ترین مشکل ساکنان شهر جدید فراغی، دوری محل سایت از روستاهای اولیه و اراضی کشاورزی است که در مواقعی، فاصله شهر جدید به روستاهای قدیم به بیش از ۲۵ کیلومتر می‌رسد. علی‌رغم تجمیع روستاها و ایجاد سکونت‌گاه شهری، عده زیادی از اهالی، شهر فراغی را شهری با فرهنگ غالب روستایی می‌دانند. در شکل (۳) مدل پارادایمی پدیده اسکان مجدد ارائه شده است.



شکل ۳- مدل پارادایمی پدیده اسکان مجدد در منطقه مورد مطالعه

مأخذ: نتایج تحقیق، ۱۳۹۲

کدگذاری انتخابی

در مرحله سوم که مرحله کدگذاری انتخابی است، جمله‌هایی که پیش‌تر کدگذاری شدند، با هم ترکیب شده‌اند تا مقوله‌ای که قادر است سایر طبقات یا مفاهیم را به یکدیگر ارتباط دهد، شناسایی شود و چارچوب مفهومی پژوهش، به تدریج شکل گیرد. فعالیت عمده و اصلی این مرحله، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقات را شامل می‌شود. در این مرحله بر فرآیندهایی که در طول پژوهش رخ داده، تحلیلی کل‌نگرانه صورت گرفته است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه در بخش‌های پیشین درباره تغییرات به وجود آمده در ابعاد مختلف زندگی ساکنان روستاهای مشمول طرح اسکان مجدد، می‌توان بیان کرد که در نتیجه اجرای راهبرد اسکان مجدد در جامعه روستایی شرق استان گلستان، تغییرات گسترده‌ای در شیوه زیست افراد مورد بررسی، مشاهده می‌شود. از این رو، با عنایت به آن‌چه بیان شد، می‌توان چنین گفت که مشاهدات، بررسی‌ها و «تجربه زیسته» پژوهش‌گر، بیان‌گر وقوع تغییرات متنوع «ذهنی-عینی» در «زیست محیط» روستایی تحت تأثیر شرایط طبیعی، قرارگرفتن نواحی مستعد بروز بلایای طبیعی و فرهنگی خاص مناطق است.

تغییرات مذکور در حوزه مرتبط با اقتصاد و معیشت روستاییان، «دگرگونی در ساختار شغلی»؛ یعنی گسترش مشاغل خدماتی و کاهش مشاغل در بخش کشاورزی، «سبک زندگی»؛ یعنی تمایل به زندگی شهری و فاصله‌گرفتن از زندگی روستایی، «کاهش اشتغال» و «کاهش درآمد و مقروض شدن به بانک‌ها» از جمله گسترش ربا و پیش‌فروش محصولات زراعی است. نبود امکان ادامه فعالیت‌های دامداری و کشاورزی، بازگشت عده‌ای از افراد به محل روستاهای قدیم و «دومکانه شدن» عده‌ای را برای استفاده از شرایط و امکانات در محل قدیم، به دنبال داشته است.

در حوزه مرتبط با مسائل اجتماعی، «دگرگونی اجتماعی» از جمله کاهش روابط چهره‌به‌چهره، تغییر در ابعاد کنش متقابل، ایجاد فاصله اجتماعی، تغییر جهت روابط اجتماعی، دگرگونی ابزار کنترل اجتماعی و تغییر در شکل روابط صورت گرفته است. از جمله موارد دیگر «تغییر نظام همسایگی» و «دگرگونی بعد خانوار» و افزایش خانوارهای هسته‌ای است. همچنین، اسکان مجدد «دگرگونی نسبی الگوی مدیریت روستایی»؛ یعنی گسترش سازمان‌های رسمی و دولتی و «گسترش رفاه» و «آموزش» را به دنبال داشته‌است که این نتایج با نتایج بدری، ۱۳۸۰ هم‌سو است.

همراه داشته است، این نتایج با نتایج رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲ هم‌سو است.
 با توجه به تغییرات فوق و یافته‌های کیفی مطالعه نیز که در قالب مدل زمینه‌ای ارایه شده است، نظریه زمینه‌ای «اسکان مجدد با رویکرد کالبدی غیریک‌پارچه و با پایداری متوسط» برای روستاهای مشمول طرح اسکان مجدد در نواحی مورد مطالعه ارایه می‌شود.

در حوزه زیست- محیطی نیز نواحی مشمول طرح اسکان مجدد شاهد «تغییر الگوی مسکن» و «بی‌کارکرد شدن مسکن با فعالیت‌های تولیدی»، «افزایش ایمنی و در امان ماندن از خطر سیل» با لحاظ کردن معیارهای فنی در ساخت مساکن جدید و دوری از نواحی مستعد بروز سیلاب، «سهولت ارتباط با شهرهای مجاور» و «گسترش استفاده از شیوه‌های نوین ارتباطی» از جمله اینترنت، به‌ویژه شهر جدید فراغی را به

کتاب‌نامه

1. Abduljalal, S. (1388/2009). *Accommodation management process after the flood (Case Study: flood of Golestan 2005)*. Unpublished master's thesis, Tehran University, Tehran, Iran. [In Persian]
2. Agba, A. M. Ogaboh., Akpanudoedehe, J. J., & Ushie, E. M. (2010). Socio-economic and cultural impacts of resettlement on Bakassi people of Cross River State, Nigeria. *Studies in Sociology of Science* 1(2), 50-62.
3. Ardalan, A., Holakouie Naieni, K., Mahmoodi, M., Zanganeh, A. M., Keshtkar, A. A., Honarvar, M. R., & Kabir, M. J. (2010). Flash flood preparedness in Golestan province of Iran: A community intervention trial. *American Journal of Disaster Medicine*, 5(4), 197-214.
4. Ardeshiri, M. (1388/2009). *The formulation of resettlement plans pattern in dam's projects with emphasis on environmental consideration*. Unpublished master's thesis, Tehran University, Tehran. [In Persian]
5. Badri, S.A. (1380/2001). *Evaluating the sustainability of rural resettlement strategy*. Unpublished doctoral dissertation, Tarbiat Moddares University, Tehran, Iran. [In Persian]
6. Badri, S.A., & Roknoddin Eftekhari, A. R. (1382/2003). Economic impact assessment of rural regrouping after earthquake from sustainable development viewpoint (Case study: Balkor and Jamalabad villages of Tarom-e-Olya County). *Modares Journal*, 7(2), 23-60. [In Persian]
7. Bahrainy, H., & Hajibandeh, M. (1390/2011). Urban-village model: An efficient approach to achieve sustainable rural settlements. *Journal of Housing and Rural Environment*, 30(134), 49-74. [In Persian]
8. Coffey, V., & Trigunarsyah, B. (2012, April). *Rebuilding housing after a disaster: factors for failure*. In Proceedings of 8th Annual International Conference of the International Institute for Infrastructure, Renewal and Reconstruction (IIIR), (pp. 292-300). Kumamoto University, Japan.
9. EM-DAT. (2014). *The OFDA/CRED international disaster database*. Brussels-Belgium: University Catholique de Louvain.
10. Esmaeili, M., Salsali, M., & Cheraghi, M. (1392/2013). Quality in grounded theory studies. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 2(3), 287-296. [In Persian]
11. Fathi, S., & Motlagh, M. (1389/2010). Theoretical approach to the rural sustainable development according to information and communication technology (ICT). *Quarterly Journal of Human Geography*, 2(2), 47-66. [In Persian]
12. Firouznia, Gh., Mousakazemi, S. M., & Sadeghi Taheri, A. (1390/2011). Review the effect of merging village in to a city, Case study: villages merged in to Kashan city). *Journal of Geography and Development*, 9(25). 79-96. [In Persian]
13. Hajbagheri, A., & Salsali, M. (1382/2003). *Approach and qualitative methods in rural development*. Tehran: Ney Press. [In Persian]
14. Jalalian, H., Soleymangoli, R., & Tourani, A. (1392/2013). Reviewing the experiences of rural settlement planning for endangered villages with a look at Safi Abad resettlement plan in Minoodasht. *Journal of Research and Rural Planning*, 2(2), 179-211. [In Persian]
15. Jha, A. K., & Duyne, J. E. (2010). *Safer homes, stronger communities: a handbook for reconstructing after natural disasters*. USA: World Bank Press.

16. Keraminiyage, K., & Piyatadsananon, P. (2013). Achieving success in post-disaster resettlement programs through better coordination between spatial and socio-economic/cultural factors. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 4(3), 352-372.
17. Montazeriun, M. (1390/2011). *A study of the rural settlements relocation process in reconstruction planning after the 2005 flood in the east of Golestan province*, Unpublished master's thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [In Persian]
18. Moshiri, F. (1390/2011). Human approach in resettlement planning in regional development plans. *Journal of Housing and Rural Environment*, 30(135), 85-104. [In Persian]
19. Oruonye, E. D. (2011). The socio-economic impact of the Lake Chad resettlement scheme, Nigeria. *African Journal of Environmental Science and Technology*, 5(3), 238-245.
20. Pahlavanzadeh, H., Rezvani, M. R., & Mohammadi, A. (1391/2012). Assessing the quality of life in post disaster rural resettlement (Case study: Regrouping villages in Golestan province). *Journal of Housing and Rural Environment*, 31(137), 97-112. [In Persian]
21. Piyatadsananon, P. (2014). *Application of spatial analysis in post-disaster resettlement*. (Unpublished doctoral dissertation), University of Salford, Salford, UK.
22. Pourtaheri, M., Badri, S. A., Asgary, A. & Eftekhari, A. R. (1390/2011). *Strategies and policies for the physical development of rural settlements (With an emphasis on international experience and Iran)*. Tehran: Bonyad Maskan Press. [In Persian]
23. Rahmati, M. M. (1385/2006). Socio-economical changes of integration of rural areas after the earthquake in Rudbar and Manjil regions. *Journal of Social Studies*, 1(2), 83-110. [In Persian]
24. Rezvani, M., Kowkabi, L., & Mansourian, H. (1392/2013). The resettlement effects on the quality of life in the villages damaged by natural hazards (Case study: Zanjiran and Isar town in Fars province). *Journal of Housing and Rural Environment*, 32(144), 87-106. [In Persian]
25. Sharifi, F., Samadi, S. Z., & Wilson, C. A. (2012). Causes and consequences of recent floods in the Golestan catchments and Caspian Sea regions of Iran. *Natural hazards*, 61(2), 533-550.
26. Strauss, A., & Korbin, J. (1385/2006). *Basic of qualitative research grounded theory procedures and techniques*. (B. Mohammadi, Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
27. Tavakoli, J. (1380/2001). An overview of the theory and practice of rural integrated. *Journal of Jahad*, 21(244-145), 43-49. [In Persian]

An Explanation of Resettlement in Rural Sustainable Development Using Grounded Theory Approach (Case Study: Resettlement in Flooded Villages in Golestan Province)

Amin Mohammadi Ostadkelayeh^{1*}- Seyyed Hasan Motiee Langerudi²- Mohammad Reza Rezvani³- Mojtaba Ghadiri Masoom⁴

1- Assistant Prof, in Geography & Rural Planning, Gonbad University, Gonbad, Iran.

2- Full Prof, in Geography & Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Full Prof, in Geography & Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

4- Full Prof, in Geography & Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 12 June 2015

Accepted: 29 December 2015

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

There has been a tremendous surge of interest in the issue of sustainability of resettlement plans; moreover, the economic, social, and environmental consequences of this issue have been frequently touched upon by rural planners and decision-makers. As evidence shows, lack of assessments and enough knowledge on the issue of resettlement has led to unsustainable resettlement plans. Under the grounded theory approach and with a qualitative method, the current case study attempts to answer this question that "how do the communities under study evaluate the effects of resettlement on sustainable development in their community?"

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Resettlement is a process that helps people mitigate the effects of displacement on their standard of living. A sustainable development approach uses resettlement as an opportunity to improve living standards of displaced people and ensure they benefit from the development activity. Resettlement planning allows the impacts of displacement to be mitigated and development opportunities to be created for those who have been affected. While adequate and early resettlement planning may increase the initial investment costs of an activity, long-term benefits include fewer delays and cost during project implementation, greater benefits from economically productive resettles, and reduced welfare costs to society. International experiences of voluntary and involuntary resettlement reveal that it is difficult to achieve success, particularly, when resettlement is carried out as part of development projects.

3. METHODOLOGY

The level of analysis in the present research include Faraghi, displaced villages of Qulaq Kasan, lower Boq Qeje, and upper Boq Qeje and local informants'

unit of analysis. 32 subjects were selected through snowball sampling from among local informants. The interview with the subjects continued until theoretical saturation was reached. In the current research, the conceptual model was designed through systematic implementation of a five-stage grounded theory and combination of codes (open coding, axial coding, and selective coding).

4. DISCUSSION

Based on what has previously been said about the changes in several aspects of residents' lives in villages under resettlement scheme, it can be claimed that tremendous changes have been observed in the way the subjects lead their lives as a result of performing resettlement approach in the rural community of eastern Golestan. Therefore, based on what has been said, one can say that observations and investigations represent variations of "subjective-objective" changes in the region. Concerning economic issues in the livelihoods of the people living in rural areas, one can see a "transformation in occupational structure", i.e., extended service jobs and reduced number of jobs in the agricultural sector; "life style", that is tendency towards urban life and distance from rural life, "reduction in employment" and "loss of income and debt to the banking system" and especially extended usury and pre-sale of the agricultural products. Impossibility of livestock activities has made some individuals return to old rural places and also has led to "double settlement" of some individuals in order to utilize the facilities of the old place.

Regarding social issues, one can experience a "social change", such as lack of face-to-face communication, change in dimensions of social actions, change in social relations, transformation of social control tools, and relational changes. "Change of neighborhood", "transformation of family", and increase in nuclear families are some other relevant

*. Corresponding Author: aminmohammadi@gonbad.ac.ir

issues. Furthermore, resettlement results in "relative transformation of rural management pattern", that is development of formal and state organizations, "improved welfare", and "education".

Environmentally speaking, areas with resettlement plan have experienced "change of housing pattern" and "non-functionality due to production activities", "improved safety against flooding" through applying technical standards in the construction of new homes and staying away from flood-prone areas resulting in "ease of communication with the neighboring towns", and "expansion in the use of modern forms of communication", such as internet especially in the new city of Faraghi.

5. CONCLUSION

Although resettlement of rural people is necessary in critical times, it should be implemented according to the local conditions of people in addition to

considering their economic, social, and environmental requirements of them in the form of suitable projects including replacement, integration, and regrouping of villages. The most important economic considerations in implementation of resettlement plans include employment, production, and communities with resettlement plan. Based on the findings of the current research, resettlement plans in flooded areas of Eastern Golestan do not correspond with sustainability pattern. No decrease in poverty, inequality, and no specific transformation in agriculture are proof of claim. Accordingly, the grounded theory of "resettlement with a physical non-integrated approach and mean sustainability" is presented for villages under resettlement plan for the area under study.

Key words: Golestan province, resettlement Grounded Theory, rural sustainable development flood.

How to cite this article:

Mohammadi Ostadkelayeh, A., Motiee Langerudi, S. H., Rezvani, M. R. & Ghadiri Masoom, M. (2016). An explanation of resettlement in rural sustainable development using grounded theory approach (Case study: Resettlement in flooded villages in Golestan Province). *Journal of Research & Rural Planning*, 5(1), 181-195.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/47384>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495